در اولین جلسه «سینما رو به آینده» در سال 1404 مطرح شد؛

**سینمای ایران اعتماد به نفسش را از دست داد**

**سود عده‌ای در توسعه نیافتگی سینمای ایران است!**

**اجرای شناوری قیمت بلیت سینما برای رونق گیشه**

به گزارش روابط عمومی برنامه، نهمین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی «سینما رو به آینده» و اولین نوبت از این رویداد در سال 1404 با موضوع بررسی نسبت گیشه با سینمای ایران با حضور مهدی کرم‌پور، سیدجمال ساداتیان، سجاد نوروزی و به میزبانی امیر قادری در پردیس سینمایی آزادی برگزار شد.

امیر قادری در ابتدای این نشست بیان کرد: جریان‌های مختلف تولید در سینمای ایران یکی‌یکی به پایان رسیده است و در این مسیر تا یک سدی شکسته نشود، جریان تولید سخت روی ریل دیگری قرار می‌گیرد‌. این مساله درباره سینمای کمدی قابل پیش‌بینی بود، همچنین درباره سینمای موسوم به اجتماعی و ارگانی که تاثیر خود را از دست داده نیز صدق می‌کند. سوالی که ابتدای جلسه قصد دارم از دوستان بپرسم این است که چه تفاوت‌هایی میان سینمای دهه 80 که به نظرم موفق‌ترین دهه سینمای ایران حتی نسبت به دهه شصت است، با سینمای امروز می‌بینند و‌ چقدر شاهد تغییر شرایط هستیم؟

**بر چه مبنایی از افول یا پیشرفت سینما می‌گوییم؟**

سیدجمال ساداتیان در پاسخ به این پرسش قادری مطرح کرد: شاید بخشی از پاسخ به این پرسش به عهده وزارت ارشاد یا سازمان‌های دولتی باشد که باید پژوهش‌های میدانی انجام دهند تا بتوانند اطلاعات دقیق‌تری کسب کنند. اما از نظر من سوال اینجاست که واقعا سینمای ما چه استراتژی دارد و ما باید بر اساس چه چیزی آن را قضاوت کنیم؟ در حال حاضر نمی‌دانم! ما واقعا بر چه اساسی می‌گوییم که سینما افول، نزول یا پیشرفت کرده است؟

وی ادامه داد: من از سال ۱۳۷۸ وارد سینما شدم که قریب به ۳۰ سال می‌شود؛ در این مدت هیچ برنامه‌ای تاکنون در سینما ندیده‌ام که بگویم تهیه‌کننده باید خود را با آن تنظیم کند. در هیچ دهه‌ای چنین چیزی را ندیدم. ما هر سال در کشور یک سری طرح‌های اقتصادی تعریف می‌کنیم اما هیچ وقت نمی‌توانیم آن را اجرا کنیم و اهدافمان محقق نمی‌شود چراکه بسترهای لازم آن فراهم نیست. من به یاد ندارم که هیچ زمان گفته باشیم سرعت رشد در سینما ۲ یا ۵ درصد باید باشد یا هست.

این تهیه‌کننده سینما تاکید کرد: به همین دلیل است که هر مدیر جدیدی منصوب می‌شود، می‌گوید قبلی خراب کرده است و من ‌می‌خواهم آن را درست کنم پس ریل جدید می‌گذارم. اینکه این ریل جدید قرار است ما را به کجا برساند را هم نمی‌دانیم! بالاخره من هم یک منویات ذهنی برای خود دارم و فکر می‌کنم با ساخت فیلم‌هایی مانند «چهارشنبه‌سوری»، «به‌رنگ ارغوان»، «دایره زنگی»، «متری شیش و نیم» و همین «زن و بچه» به بخشی از رسالتم در کار عمل کرده‌ام. در حقیقت استراتژی‌ای دارم و روی آن حرکت می‌کنم‌. به همین دلیل ما همیشه در وزارت ارشاد دچار تناقض هستیم و نمی‌دانیم هربار که فیلم می‌سازیم چگونه باید پروانه ساخت و پروانه نمایش بگیریم؛ چون متر و معیاری وجود ندارد.

تهیه‌کننده فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی ادامه داد: برای ساخت فیلم «زن و بچه» پنج ماه پله‌های وزارت ارشاد دولت قبل را بالا و پایین کردیم و در آخر صراحتا به ما گفتند مجوز ساخت این فیلم را به شما نمی‌دهیم. اما یک ماه بعد دولت جدید روی کار آمد و بسیار از ما استقبال و از فیلمنامه تعریف کرد. پس از آن فیلم به جشنواره کن راه یافت و با نواقص و نقدهای کم و زیادی که پیرامون آن هست، بخشی از جامعه هم امروز آن را دوست دارد. این فرصت پس از پنج سال برای کشور به وجود آمد که بتواند در جشنواره کن حضور داشته باشد و از کیان سینمای ایران دفاع کند‌. اما نکته این است که این فیلمنامه بر چه اساس و با چه معیاری ابتدا رد و سپس پذیرفته شد؟ تصور من این است که معاونت سینمایی هم فردی عمل می‌کند. در مواجهه با فیلمنامه‌ای شبیه «زن و بچه‌» در اظهارات تنها یک کلمه کلی به اسم سیاه نمایی وجود دارد.

وی با تاکید بر همراهی دولت جدید برای گرفتن مجوز ساخت فیلم «زن و بچه» گفت: ما هفته پیش هم که به کمیسیون فرهنگی مجلس رفتیم، متوجه شدیم دوستان به‌شدت مشغول نمادسازی هستند. خواهش کردیم نمادها را کنار بگذارند. برخی‌ها آتشی در وزارت ارشاد ریختند و به شدت وزیر را تحت فشار قرار دادند که چرا به «زن و بچه» مجوز ساخت و اکران داده است؟ گویی در همه موارد به صورت فردی عمل می‌شود؛ یعنی متر و اندازه‌ای ندارد. اینکه شما می‌گویید چه چیزی باید داشته باشیم، من می‌گویم باید متری داشته باشیم که بتوانیم بر اساس آن سینما و فیلم‌ها را قضاوت کنیم.

در ادامه امیر قادری پرسید: شما هیچ وقت این متر را در این دو تا سه دهه گذشته سینمای ایران احساس نکردید؟

ساداتیان پاسخ داد: رشد اقتصادی ما سالانه باید چقدر باشد؟ در برنامه پنجم، ۸ تا ۹ درصد است‌. اگر این درصد را برای سالن سینما در نظر بگیریم، زیر ساخت، سالن نمایش و n تعداد فیلم برای نمایش می‌خواهد و در حقیقت رشد کلی است. بالاخره سازوکاری برای تولید‌ فیلم‌ها باید وجود داشته باشد اما چون چنین چیزی نیست، نمی‌توانیم قضاوت کنیم و باید از تصورات شخصی‌مان بگوییم. بعد هر مدیری باید تصور شخصی خود را ترسیم کند و این امر هیچ شباهتی با اداره امور کشور ندارد.

**دعواهای سیاسی‌تان را به بیرون سینما ببرید!**

در ادامه نشست امیر قادری خطاب به مهدی کرم‌پور گفت: شما هم در دهه هشتاد و هم الان در سال ۱۴۰۴‌ در شورای صنفی نمایش هستید. به‌عنوان فردی که در آن زمان به سینمای ایران اشراف داشت و در حال حاضر هم با اشراف وارد این عرصه شده، موقعیت آن زمان با شرایط کنونی چه تفاوتی دارد؟

مهدی کرم‌پور اظهار کرد: در حوزه تولید، بحثی درباره برنامه‌های پنج ساله و هفت ساله‌ای وجود دارد که معمولا محقق نشده است. بهترین کار این است که در خواست کنیم دوستان به دعواهای خود در فضایی خارج از سینما ادامه دهند. منظور این است که این افراد دعواهایی با وزیر یا دولت دارند، بعد سر مجوز ساخت یا اکران فیلم مطرح می‌کنند. برای مثال بلایی که سر فیلم «آدم برفی» آوردند. به یاد داریم که بعدا همین فیلم بارها در تلویزیون پخش شد! یا برای فیلم «مارمولک» که چند سال بعد تلویزیون آن را پخش کرد. یعنی ما اساسا درگیر مسائلی هستیم که ربطی به سینما ندارد. در دهه هشتاد هم همین بود و تمام رشدهای ما به علت سیاست‌های دولت نیست؛ بلکه حاصل تلاش‌های فردی بوده است. یعنی یک نسلی پس از دهه 60 در دهه 80 وارد سینما شدند و فیلم‌های خوبی ساختند.

وی ادامه داد: یعنی برنامه دهه 80 هم از پیش برنامه‌ریزی نشده بود؛ بلکه حاصل کار یک سری افراد بود که یک نسل پس از دهه 60، تصمیم گرفت دست خود را روی زانو بگذارد و رانت‌ها و دعواها را کنار بگذارد. این افراد سعی کردند فیلم‌هایی بسازند که با دنیا ارتباط بگیرد و این اتفاق تبدیل به نهضتی در دهه 80 شد که دهه پُررونق سینمای ایران را به لحاظ ساخت فیلم‌های خوب رقم زد. آن زمان مردم برای گرفتن بلیت و تماشای فیلم‌ها در جشنواره‌ها صف می‌بستند و سینمای ایران را بسیار بیشتر دوست داشتند. سینما آزادی در دهه هشتاد برای ورودی جشنواره فجر داربست می‌بست تا صف مردم را کنترل کند، اما الان چنین چیزی نداریم و افراد راحت به سینما می‌آیند. این موضوع نیاز به آمار ندارد و با چشم هم می‌توان دید.

دبیر جدید شورای صنفی نمایش تاکید کرد: همچنین مردم، هنرمندان ما را به‌عنوان مرجع دوست داشتند اما در دهه 90 چون سیاستمداران فکر کردند این افراد می‌توانند در مقاطعی تاثیرگذار باشند، شروع کردند و به هر نحوی ترور کردن این شخصیت‌ها. همچنین شبکه مجازی هم تبدیل به جایی شده که هرکسی را می‌توانست معتبر جلوه دهد. برای مثال اگر قبلا باید نقد فیلم در مجله یا سایت معتبر منتشر می‌شد که سردبیری داشته باشد، حالا روابط عمومی پدید آمده است که با ۲۰۰ هزار تومان پول می‌تواند یک سری افراد را اجیرکند تا پستی در اینستاگرام بگذارند و بگوید فیلم خوبی است یا آدمی را اجیر کند و فردی با اسم مستعار در سایه بایستد و فرد دیگری را بزند.

**سینما و فوتبال حافظ انسجام ملی بودند**

کرم‌پور با تاکید بر وضعیت فعلی فوتبال و سینما و اهمیت انسجام ملی گفت: حاکمیت باید متوجه این مسئله شود که این موارد، انسجام ملی ما را حفظ کرده است. تیم ملی ایران ربطی به سیاست ندارد، چون تیم ملی ایران است. بعد از سال ۸۸ جریان‌هایی وارد سینمای ایران شدند که فکر کردند سینما مقصر است؛ اما به سینما ربطی نداشت. امروز هالیوود دموکرات است ولی ترامپ نمی‌آید که هالیوود را نابود کند. هالیوود باید کارش را برای آمریکا انجام‌ دهد و آنجا دعواهای سیاسی خود را وسط استدیوهای فیلمسازی نمی‌برند.

وی با اشاره به نمایش آثار سینمایی گفت: در دهه 80 ما وارد دوره استفاده از مالتی‌پلکس‌ها شدیم. ما در همان دوره 10 نفر از سینماداران را به مدت دو هفته و طی یک دوره به فرانسه سی‌ان‌سی بردیم تا به آن‌ها نشان ‌دهیم که چگونه باید سینما را اداره کنند. ما در آن مقطع در زمینه مدیریت مالتی‌پلکس‌ها مانند سینماهای تک سالنه برخورد می‌کردیم. سیستمی که امروز به آن رسیده‌ایم حاصل این است که ما بچه‌ها را ورکشاپی بردیم و گفتیم نگاه کنید. باید رفتار‌ مناسب با مخاطب و صنعت را به رسمیت بشناسیم.

دبیر شورای صنفی نمایش درباره حضور ارشاد در صنعت سینما گفت: بزرگ‌ترین کاری که ارشاد می‌تواند انجام دهد این است که با سینما‌ کاری نداشته باشد. در حقیقت بنیاد فارابی، حوزه هنری، اوج و... باشند و از فیلم‌هایی که می‌خواهند، حمایت کنند اما کسی به فیلمسازان دیگر کاری نداشته باشد.

امیر قادری در ادامه گفت: به‌نظر شما خود سینمای ایران، سیاستمداران را برای بودجه یا هرچیز دیگری صدا نمی‌زند؟

کرم‌پور پاسخ داد: نه، کسانی که از ساحت‌های دیگری وارد سینمای ایران شدند، به ویژه در دهه نود که با اینجکشن، کارگردان، بازیگر و تهیه‌کننده وارد و فکر کردند قدیمی‌ها را کنار بزنند، مشخص بود که می‌‌خواهند بودجه بگیرند. اما وقتی می‌گویند بروید رابطه خودتان را با مردم تنظیم کنید و فیلمتان را بسازید، این خودش بازار را تنظیم می‌کند.

**خطای ادراکی و گرفتاری در سیاهچاله توسعه‌نیافتگی**

در ادامه امیر قادری خطاب به سجاد نوروزی گفت: شما به‌عنوان مدیر سینما آزادی که مستقیم با مخاطب و مشتری روبه‌رو هستید، در طی این سال‌ها چه تفاوتی دیدید؟

سجاد نوروزی با اشاره به اینکه ما دچار یک لوپ توسعه نیافتگی شده‌ایم، عنوان کرد: این لوپ توسعه نیافتگی را حال حاضر در ناترازی آب و برق و گاز می‌بینیم که تئوریسن‌های توسعه از آن به‌عنوان سیاهچاله توسعه نیافتگی یاد می‌کنند. یعنی وقتی دچار خطای ادراکی شویم و بر پایه آن عملیاتی را برنامه‌ریزی کنیم، برنامه هر چقدر جلو می‌رود، خطاهای خود را نشان می‌دهد، اما ما سعی می‎کنیم با مسکنی آن را ترمیم کنیم و به حیات خود ادامه می‌دهیم تا زمانی که ناترازی آشکار می‌شود.

وی ادامه داد: حالا اگر همین خطای ادراکی را برای سینما در نظر بگیریم باعث می‌شود تا فکر ‌کنیم اگر حرفی منتقدانه گوشه یک فیلم باشد به زیان و خسران امنیت ملی می‌انجامد. اما واقعا فیلمی در ایران نبوده است که پس اکران به اصطلاح شرّی درست کرده باشد.

در تأیید این نکته، ساداتیان با بیان اینکه مشکل توقیف فیلم «به رنگ ارغوان» پنج سال طول کشید تا امکان اکران به‌دست بیاورد، تصریح کرد: زمانی که قرار شد بالاخره فیلم اکران شود، یک سری گفتند ممکن است پس از اکران فیلم مردم شعار بدهند! به همین دلیل تا مدتی تعدادی افراد لباس شخصی هنگام اکران فیلم در سالن‌ها می‌نشستند تا ببیند اگر مردم واکنشی نشان دادند، چه کنند! اما بعد دیدند مردم بسیار راحت فیلمشان را می‌بینند و می‌روند.

نوروزی ادامه داد: دقیقا نکته همین است وقتی بنیاد چیزی را بر اساس خطای ادراکی می‌گذاریم و بعد شبه‌کمپانی‌هایی را درست می‌کنیم که در بخش حاکمیتی از کارکرد اصلی خود خارج شده و باعث می‌شود سینمای ایران سیاست را رها نکند. یعنی بعضی از فعالینی که در این حوزه هستند برای اینکه بتوانند کار خود را پیش ببرند ممکن است در جاهایی دست به دامن حکومت شوند و بعد وارد یک کنشگری شوند که تعادل را بر هم بزند.

وی تاکید کرد: نتیجه این می‌شود که ما امروزه صنف به معنای واقعی نداریم و کارکردهای ممیزی، رگولاتوری و تنظیم‌گری شما برای اینکه بتوانیم جریان محتوایی ایجاد کنیم، ساقط شده و صرفا به یک نهاد دموکراتیو فربه تبدیل شده است که مسئله اول آن تامین حقوق، اضافه کاری و پاداشی است که باید به کارمندانش بدهد و اساسا از کارکردهای بنیادی خود فاصله گرفته است.

این سینمادار با اشاره به مصادیق دیگری از خطای ادراکی در مسئولان، گفت: کار به جایی رسیده است که نماینده مجلسی در یک سخنرانی شگفت‌آور می‌گوید آقای وزیر فیلم‌های شما در این شش الی یک سال اخیر، باعث افزایش طلاق در جامعه ما شده است! این ادعا در حالی است که تمام سینمارو های جامعه ایران در بهترین حالت 7 میلیون نفر هستند و در جامعه 90 میلیون نفری ما کلا 7 میلیون نفر ممکن است سه الی چهار بار بلیط بخرند و به سینما بروندحالا شما مقایسه کنید که در سال 1368 و 1369 در جریان حمله صدام به ایران 80 میلیون قطعه بلیط سینما در ایران 35 میلیون نفری به فروش رفته که این خود بحث دیگری است.

نوروزی ادامه داد: بخش خصوصی هم به بخش دولتی تاسی کرده که متشکل از محافل ذی‌نفوذ و محافل ذی‌نفع است که سود آن‌ها در توسعه نیافتگی سینما است و اگر این سینما در چارچوب تولید و توزیع به یک ساختار مناسب و استاندارد برسد و در حقیقت به نقطه‌ای از توسعه یافتگی برسد، 50 درصد سینمای ایران بیکار می‌شوند پس برخی نمی‌خواهند به توسعه یافتگی برسیم، از جمله بخش خصوصی. چطور می‌توان 20 سال تهیه‌کننده بود و فیلم ساخت اما فروشی نکرد؟ شما یک نفر سرمایه‌گذار از خارج سینما مثال بزنید که آمده و داخل سینما مانده باشد. حتی یک نفر در بخش خصوصی نداریم که فیلمی کار کرده باشد و بلایی سرش نیامده باشد و در این سینما بماند.

مدیر پردیس سینمایی آزادی با اشاره به کپی در سینمای امروزی گفت: در دهه 80 و 90 چیزی با عنوان موفقیت‌های سینمایی ایران مطرح شد. یک سری کپی‌های دسته چندم از برخی آثار ساختند و زمانی که با کرونا مواجه شدیم، سینمای کمدی بالا آمد. سپس همه شروع کردند کپی کردن از فیلم «فسیل»، عین روز مشخص بود که اعتماد مخاطب از دست می‌رود و اکنون ممکن است با چند تولید خوب، سینمای غیرکمدی بالا بیاید؛ اما همچنان نگران کپی فیلم‌ها و کمدی‌های دسته چندم هستم. مشکل سینمای ایران در ابتدای امر سه چیز است؛ فیلمنامه، فیلمنامه و فیلمنامه. ما به صورت جدی با این مشکل مواجه هستیم.

**اعتماد مخاطب به سینمای کمدی چگونه از دست رفت؟**

امیر قادری تاکید کرد: تجربه شخصی من این است که مخاطب به سینمای کمدی اعتماد کرد اما اعتمادش را با کپی دسته چندم آثار از دست داد، اکنون شرایط کمی بهتر شده اما نمی‌دانم اگر این اعتماد مجددا از بین برود چطور بازمی‌گردد. درباره فیلمنامه نیز باید بگویم که من فکر می‌کنم فیلمنامه نتیجه کار تهیه‌کننده است. فکر می‌کنم حلقه‌ای که باید در سینمای ایران درست شود و تاکنون کمک کرده، تهیه‌کننده است. به‌نظرم وقتی می‌توان یک داستان نوشت که به یک سری موارد ایمان داشت. در حال حاضر شما می‌توانید فیلم «پیرپسر» را دوست داشته باشید یا از آن بدتان بیاید اما سازنده به یک سری موارد اعتقاد داشته و تا انتها پیش رفته است. پس تا زمانی که سینماگر نتواند ایمان شخصی خود را وارد داستان کند، فیلمنامه خوب نوشته نخواهد شد.

در ادامه سیدجمال ساداتیان در جواب به این سوال که موقعیت فعلی سینمای ایران را چگونه می‌بینید، مطرح کرد: قطعا وقتی ما محصولی را تولید می‌کنیم، آن را به دست مصرف‌کننده برسانیم پس باید بر اساس ذائقه او عمل کنیم. متاسفانه ما دچار یک سری تعارض هستیم و به همان دلیلی که متراژ مشخصی نداریم. یعنی بر اساس سلایق و نیاز جامعه کاری را می‌سازیم و با یک عقبه‌ای که همیشه قرار بوده یک سری چیز‌ها نباشند اما همیشه هستند، دچار تعارضات می‌شویم. با همین تصور باید بگویم که سال‌گذشته سینمای ایران ۱۵ میلیارد تومان فروخته است، اما ۳۵ میلیارد تومان نیز بدهی دارد.

وی ادامه‌داد: استاندارد دنیا در این زمینه چیست؟ برای ما به‌ازای هر سه نفر یک نفر به سینما رفته است. سینمای اول ما نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افت پیدا کرده است. سوال اینجاست که چرا؟ آیا مخاطب وجود ندارد؟ به‌نظرم خیر، مخاطب وجود دارد. ما «پیرپسر» را اکران کردیم، اما سینما در 2 هفته گذشته چه واکنشی به فیلم‌هایی که مورد پسندش بوده نشان داده است؟ اگر ما فیلم مورد علاقه مخاطب را بسازیم، مخاطب حاضر است ۱۲ شب تا یک بامداد وقت بگذارد و فیلم ببیند. جالب است بدانید که در پردیس سینمایی هدیش 5 روز آپارات سینما خاموش نشد. کجای دنیا چنین رکوردی وجود دارد؟ پس اگر‌ ما محصولمان را بر اساس ذائقه مخاطب ارایه دهیم، مخاطب پای کار است اما وقتی چنین محصولی نیست، مخاطب هم نداریم. نمی‌خواهم بگویم به دلیل شرایط کشور مخاطب به سینما نمی‌آید، خیر اما همین افرادی را که در 2 هفته گذشته سینما رفته‌اند،نگاه کنید، متوجه خواهید شد مخاطب در این شرایط هم پای سینما می‌آید. پس باید برای مخاطب فیلم تولید کنیم. ما در بدترین شرایط ممکن هم مخاطبمان را داریم.

ساداتیان درباره گردش مالی سینما گفت: ساده‌ترین راه این است که بگذارند سینما مسیر اصلی خود را طی کند و مردم سالی یک‌بار به سینما بروند، می‌شود ۸۰ تا ۹۰ میلیون نفر مخاطب و این یعنی ۶ تا ۸ هزار میلیارد تومان گردش مالی برای سینمای ایران و اگر این گردش مالی ادامه پیدا کند، منِ سینمادار و تهیه‌کننده دستم در جیب خودم است و هیچ نیازی به دولت ندارم و با پولی که در سینما دستم را می‌گیرد کار با شرایط بهتری می‌سازم. اما وقتی اقتصاد سینما ضعیف می‌شود، شرایط تغییر می‌کند. ۲ هزار میلیارد فروش سال گذشته، هزار و 500 میلیارد برای فیلم طنز و ۵۰۰ میلیارد آن برای 2 فیلم اجتماعی بوده است. زمانی که فیلم «متری شیش و نیم» را ساختم، گران‌ترین فیلم آن زمان بود اما ضرر نکردم و جامعه هم به آن علاقه پیدا کرد. این تصورات غلط است که فیلمسازی نباید گران باشد و اگر بگذاریم سینما مسیر خود را طی کند، ما اقتصاد شکوفایی خواهیم داشت.

این تهیه‌کننده سینما تاکید کرد: ما در چهار سال گذشته تقریبا حضور بین‌المللی خود را از دست داده بودیم. خودمان با دست خودمان شرایطی ایجاد کردیم که فیلم‌های زیرزمینی شروع به تولید کردند. امسال با ضوابط جمهوری اسلامی فیلم ساختیم و بالاخره به جشنواره کن رفتیم. بالاخره یک اثر زنده و پویا نقد و درباره آن حرف زده می‌شود. هر کس تعابیر متفاوتی از فیلم دارد اما خب حداقل این فیلم توانست پرچم جمهوری اسلامی را در محافل فرهنگی به اهتزاز درآورد و دوباره اسم سینمای ایران را مطرح کند. ما از ظرفیت سینمای ایران می‌توانیم پول دربیاوریم و بار فرهنگی کشور را در محافل بین‌المللی به نمایش بگذاریم.

**سینمای ایران اعتماد به نفسش را از دست داد**

سیدجمال ساداتیان از سمت و سوی سینمای ایران‌ گفت: ما آنقدر توی سر سینمای ایران زده‌ایم که همانند بچه‌ای اعتماد به نفس خود را از دست داده و یک خود سانسوری ناخواسته حاکم شده است. امسال که کمی فضا باز شده است،  قطعا در جشنواره فیلم فجر با فیلم‌های سر و شکل داری‌ که می‌توان اسمش را فیلم گذاشت، مواجه خواهیم شد.

امیر قادری خطاب به سیدجمال ساداتیان پرسید: فکر نمی‌کنید در حال حاضر وضعیت تولید فیلم برای جشنواره فجر پیش رو، بسیار اندک است؟

ساداتیان پاسخ داد: من از فیلم «متری شیش و نیم» تا زمانی که «زن و بچه» را ساختیم، کار نکردم چراکه 2 فیلم ارایه دادم و زمانی که رد شد متوجه شدم هیچ جایگاهی در دولت سیزدهم ندارم و سکوت کردم. آقای روستایی بعد از «برادران لیلا» سه سال فیلم نساخت و ولی همین کارگردان امروز با تمام قوا در تلاش است تا پاییز امسال فیلمبرداری فیلم بعدی خود را شروع کند. دلیلش جز این است که امید پیدا کرده و بستر را فراهم می‌بیند؟ وقتی جنگ تمام شد، مرحوم هاشمی اعلام کرد هر فردی طرح توسعه خود را ارائه کند، بخشی از هزینه آن را دولت تقبل می‌کنیم. امروز اما در سینما چنین نگاهی نیست. از بالا تا پایین کشور را رفته‌ام اما دریغ از اینکه تسهیلاتی از دولت گرفته باشم. چرا باید اینطور باشد؟ بحث بنده این است که سینما در بحث حاکمیت بسیار غریب و رابطه با آن قطع است.

**اگر دولت حمایت نمی‌کند، دلیل امرونهی‌اش چیست؟**

وی با اشاره به اوقات فراغت مردم گفت: به ما می‌گویند روزتان را به سه قسمت تقسیم کنید. کار، استراحت و تفریح و سرگرمی‌. ما برای اوقات فراغت مردم چه کرده‌ایم؟ یک سالن کنسرت بخش خصوصی داریم؟ چند سالن تئاتر استاندارد در تهران توانستیم بسازیم؟ می‌خواهیم سالن نمایش بسازیم باید با تمام حاشیه ها کنار بیاییم، خب دولت کجاست؟ اگر حمایت نیست چرا اینقدر دخالت و امر و نهی می‌کند؟

در ادامه این نشست، مهدی کرم‌پور در‌ پاسخ به این سوال که چه ایده‌هایی برای دوره جدید مسئولیت در شورای صنفی نمایش دارد؟‌ عنوان کرد: خاطرم هست سال ۸۸ بدترین سال اکران فیلم‌ها بود. ما گفتیم در ماه رمضان از اذان تا اذان مردم به سینما بروند و فیلم ببینند، فیلم‌هایی را که مردم دوست دارند، ببینند و مردم استقبال می‌کردند. بعدها پردیس‌های سینمایی ساخته‌ شد و توسعه آن‌ها هم داستانی داشت که سینما طبق آن پیش رفت. میدان تجریش سینما نداشت اما تصمیم بر این شد در پاساژ ارگ سینما بزنند. یا پاساژ گالریا مغازه‌هایش را تعطیل و تبدیل به سالن سینما کرد.

در ادامه، قادری گفت: قبول دارید که یکی از مشکلات ما سینمای محله است؟

کرم‌پور‌ بیان کرد: در دنیا این را از دست داده‌ایم؛ چون در سینماهای جهان مسئله مال‌ها هستند. الان در آمریکا صاحبان تک سالن‌ها، همه سینماهای‌شان را برای فروش گذاشته‌اند. یعنی سینمایی ۱۰۰ ساله پُرفروش بوده اما الان برای فروش گذاشته شده است. الان روش برخورد با مردم مهم است و باید این به رسمیت شناخته شود. در شرق تهران سینما محله داریم و همین الان مسئله است. امروز رفتار مردم عوض شده است، امروز مسئله پارکینگ داریم و مخاطب دنبال پارکینگ است، دنبال این است که برای تماشای فیلم بچه خود را به کجا بسپارد؟ این مسائل به نوعی معضل شهری است.

**اجرای ایده شناوری قیمت بلیت سینماها**

وی با اعلام این خبر که ما باید بلیت شناور را اجرایی کنیم و به زودی این کار انجام خواهد شد، گفت: ما بلیت را در ۴ قیمت خواهیم داشت. صبح‌ها برای دانشجویان، یک روز نیم‌بها، پایان هفته و قیمت سانس‌های معمولی خواهیم داشت. این مقدار قیمت سینما یک رفتار ‌کمونیسمی است.

نوروزی تاکید کرد: یک پژوهشی انجام دادم و قوانین اکران از اندونزی تا کره جنوبی و فرانسه را مطالعه کردم، هیچ کجای جهان قوانین اکرانش مانند ما نیست. کجای دنیا دولت می‌تواند به یک صنف بگوید چه چیزی بفروش، چه زمانی بفروش، به چه کسی بفروش و به چه قیمتی بفروش!؟ این از کمونیستی هم کمونیستی‌تر است!

کرم‌پور در ادامه‌ گفت: نگهداری این وضعیت برای یکسری از افراد سود دارد. ما چرا توسعه پیدا نمی‌کنیم؟ چون یکسری افراد ضدتوسعه هستند و نگهداری این وضعیت برایشان سودآور است. ما هیچ نهادی در ایران نداریم که حافظ حقوق مخاطبان باشد. برای مثال برخی سینماداران پروژکتور Dخود را خاموش می‌کنند. یا وقتی در پلتفرم‌های دنیا به نتفلیکس ۷ دلار پول می‌دهید به شما تبلیغات نشان نمی‌دهند. شما امروز به پلتفرم‌های داخلی پول‌ می‌دهید تبلیغات هم می‌بینید، پول اشتراک و بسته اینترنت نیز از شما می‌گیرد! یک نفر در این کشور نمی‌گوید ضامن حقوق مخاطب کیست؟ ما در شورای صنفی قول می‌دهیم حقوق مخاطب را رعایت کنیم.

سپس سجاد نوروزی بیان کرد: ما در ‌پردیس آزادی انواع و اقسام مالیات‌ها را پرداخت می‌کنيم؛ ارزش افزوده، مالیات بر درآمد، مالیات بر اجاره، مالیات عملکرد کلی، عوارض‌های مختلف، تعرفه برق فرهنگی و... به من می‌گویند کنتور برق شما فرهنگی و فقط برای روشنایی است و برای هواکش و خنک‌کننده سالن نیست! گردش مالی سینما حدود ۲۰۰ میلیارد تا نهایت ۳۰۰ میلیارد تومان ارزش افزوده دارد که پول آسفالت دو تا کوچه می‌شود! اما با این رقم می‌توان تجهیزات سینمای ایران را تکمیل کرد. من پیشنهاد تشکیل صندوق توسعه سینما را در این زمینه داده‌ام تا این پول‌ها دوباره به خود سینما بازگردد.

وی افزود: پرده سینمای ما در بهترین حالت فول اچ‌دی است که در دنیا این پرده منقضی شده است. سینمای هند، که به عنوان نماد تضاد طبقاتی از آن یاد می‌شود، سیستم نمایشی متفاوت دارد و دیگر با این کیفیت فیلم‌ها را اکران نمی‌کنند. بر اساس بررسی‌هایی که انجام دادم در تمام دنیا دولت زیرساخت فرهنگ و هنر را تضمین و در تجهیزات کمک می‌کند اما در محتوا ورود نمی‌کند. سینما پول آب و برق خود را می‌دهد؛ اما تجهیزات از سوی دولت تامین می‌شود تا بتواند به مردم سرویس ارایه دهد. اساسا این ‌یک ‌لاین امنیت ملی در کشورهای مختلف است.

سیدجمال ساداتیان درباره سالن‌های سینما نیز عنوان کرد: ما دفتر پخش داریم و بالاخره لازمه هر دفتر پخشی داشتن سالن سینما است. همچنین تجربه ‌سینما‌داری هم داشته‌ام. اکنون در حال ساخت سینمایی هستیم ‌اما به دلیل مشکلات اقتصادی هنوز به اتمام نرسیده است‌. توضیحات دوستان را تایید می‌کنم و دولت نه تنها کمک نمی‌کند، بلکه بیشتر دخالت می‌کند.

**رکوردشکنی با اکران دو فیلم اجتماعی خوب**

در ادامه این بحث مهدی کرم‌پور توضیح داد: در دوره‌ای گفتند هر فرد به اندازه مکان فرهنگی‌ای که می‌سازد، مالیات و عوارض شهرداری به آن تعلق نمی‌گیرد.‌ در این شرایط مدیر آن مکان می‌توانست به جای مالیات پروژکتور درست کند. این چیزی است که از نهاد دولت و مجلس می‌خواهیم و سینما می‌تواند خودش خودش را درست می‌کند. هفته گذشته یکبار رکورد مخاطب و یکبار رکورد فروش را شکستیم چراکه 2 فیلم اجتماعی خوب با هم اکران شدند.

امیر قادری مطرح کرد: فیلم پُرفروش اول به فیلم پُرفروش دوم کمک کرده و تجربه سینمای ایران بارها این مساله را ثابت کرده است. به‌عنوان مثال فروش «فسیل» به فیلم «هتل» کمک کرد.

کرم‌پور هم تأکید کرد: مخاطب خود انتخاب می‌کند و لازم نیست به او زور کنیم که چه چیزی را ببینند. آقای ساداتیان به‌عنوان تهیه‌کننده «زن و بچه» جرئت کرد که فیلم خود را در کنار «پیر پسر» به نمایش گذاشت. باید مخاطب را به رسمیت شناخت و اگر تنوع بدهیم به سبد اکران شاید شرایط درست شود.

ساداتیان اظهار کرد: یک زمان‌هایی برای سینما وقت مرده و زنده در نظر می‌گرفتند به‌عنوان مثال به فصل زمستان وقت مرده سینما می‌گفتند اما دیدیم که در ایام زمستان چه فیلم‌هایی اکران شد و رکورد فروش را زد. این مساله به خود فیلم باز می‌گردد. مخاطب وقتی به فیلمی که دوست دارد، برسد قطعا برای آن وقت می‌گذارد.

**حاکمیت باید مروج تکنولوژی باشد**

 ساداتیان در پاسخ به سوالی درباره نقش هوش مصنوعی در تولید سینما بیان کرد: حاکمیت باید به این مساله فکر کند و مروج تکنولوژی باشد. متاسفانه در ایران ما مروج تکنولوژی نیستیم و هر کس باید خود به دنبال آن برود. من خودم نسبت به این مساله عقب هستم اما چون پسرم به این تکنولوژی واقف است و روی آن تامل دارد، یک فیلم 10 دقیقه‌ای نیز با هوش مصنوعی تولید کرده است. البته این تکنولوژی گران است و ریزه‌کاری هم زیاد دارد. ما دانش آن را در ایران داریم اما سرمایه‌گذاری زیادی می‌خواهد چون مدام به روز می‌شود. اینکه سینما چه قدر توان دارد که از این تکنولوژی استفاده کند، باید بررسی کرد اما قطع به یقین باید به آن برسیم. دولت هم پتانسیل اقتصادی لازم برای حمایت را ندارد. اما اگر اجازه بدهند فیلم‌های فاخرتر بسازیم که بتواند از دنیای اقتصادی داخل فراتر رود و خارج از کشور خودی نشان بدهد، پتانسیل اقتصادی سینمای ایران بیشتر و درهایی برایش باز می‌شود.

مهدی کرم‌پور در ادامه نشست درباره طرح‌های اجرایی خود در دور جدید فعالیت شورای صنفی نمایش مطرح کرد: در یک برنامه یکساله قصد دارم این مورد را کلید بزنم که هر وقت فیلمی کلید خورد باید بگوید کی می‌خواهد اکران کند. از تمام دفاتر پخش در هفته گذشته خواستم لیست همه فیلم‌هایی که می‌خواهند در سال اکران کنند همراه با تاریخ به من بدهند. این وضعیت و همچنین اکران بر اساس سرگروه‌ها باید پایان پیدا کند. این موارد باقی مانده از دهه 60 است. یکسری موارد دارای رانت است و انحصار ایجاد می‌کند که باید جمع شود. متاسفانه سینمای ایران آر اند دی ندارد و به روز نمی‌شود.

**محفل‌گرایی عقب‌مانده با روکش روشنفکری!**

سجاد نوروزی هم خاطرنشان کرد: متاسفانه عده‌ای جلوی ورود کارگردان، تهیه‌کننده، سینمادار جدید و... را به سینما می‌گیرند تا منافع خودشان تحت تاثیر قرار نگیرد و بازار در ذهن خودشان کوچک بماند. در این شرایط بازیگران 42 و 43 ساله، نقش دختر 22 ساله را بازی می‌کنند. این مساله یک جور محفل‌گرایی بدوی و به شدت عقب‌مانده با روکش روشن‌فکری ایجاد می‌کند. چگونه است که در میان این همه استعداد، یک بازیگر همزمان 5 سریال در شبکه نمایش خانگی دارد. سال 56 سینمای ایران ورشکست شد چون محمدعلی فردین با 43 سال سن نقش جوان 20 ساله را ایفا می‌کرد!

وی ادامه داد: در بیانیه کانون کارگردانان به شورای صنفی با تمام احترامی که برای دوستان قائلم می‌بینیم سطح مسائل سینمای ایران به کجا رسیده که چند نفر متولد 30 و 40 می‌خواهند هژمونی دهه 70 را حفظ و به طریق ممکن برای سینما مساله تولید کنند. اینگونه افراد بیشتر وقتشان صرف حل کردن نزاع بین دیگران می‌شود. سوال اینجاست چند درصد این بیانیه‌ها به توسعه و دغدغه توسعه‌یافتگی ربط پیدا می‌کند؟ خیل عظیمی از استعدادها در حال هدررفت است و این مایه تاسف است.

مدیر پردیس سینمایی آزادی عنوان کرد: در صنعت نمایش خانگی پول و محفل‌گرایی مقدمه بر خلق یک اثر هنری شده و واقعا این صنعت شکست خورده است. افراد برای تماشای یک اثر در اکران آنلاین، باید یک بار پول اشتراک دهند، یکبار پول ترافیک اینترنت و یک بار معادل پول بلیت سینما و تنها 8 ساعت فرصت تماشای اثر را دارند! هیچ کجای دنیا چنین چیزی نیست. این مساله از توهین به مخاطب گذشته بلکه هجمه و اعلان جنگ با مخاطب است. کاربران سه پلتفرم اصلی به 1 میلیون و 100 هزار نفر نمی‌رسند و صورت مالی همه آن‌ها زیانده هستند. کجای دنیا چنین صنعتی با این حجم زیان سرپا می‌ماند؟ متاسفانه با این شرایط جامعه دومی تشکیل شده که حساب خود را از تمام شئونات رسمی جدا کرده است و اوقات فراغتش را با آثار خارجی پُر می‌کند.

امیر قادری هم در پایان این نشست خاطرنشان کرد: من چند اثر که متعلق به نمایش خانگی بود، تماشا کردم اما واقعا نمی‌توانم به کسی توصیه کنم که پای این آثار بنشیند. ما در سینما، سمفا را برای شفاف‌سازی و آمار مخاطب داریم اما در نمایش خانگی مشخص نیست این آماری که پلتفرم‌ها ارایه می‌دهند، از کجا می‌آید؟

سلسله نشست‌های «سینما رو به آینده» با هدف واکاوی چالش‌های پیش‌روی آینده سینمای ایران به صورت ماهانه و به همت سازمان سینمایی سوره برگزار می‌شود.